

188

۶۰ گفتار تبلیغی شامل ۳۶۰-۳۳۰

اشراق



جلد اول

عبدالکریم پاک نیاتبریزی

سرشناسه : پاک‌نیا، عبدالکریم.
 عنوان و نام پدیدآور : درس‌هایی از امام حسین (۶۰ گفتار) / عبدالکریم
 پاک‌نیا تبریزی .
 مشخصات نشر : قم: فرهنگ اهل بیت (ع) ، ۱۳۹۶ -
 مشخصات ظاهری : ۲ ج
 ۱۸۰۰۰۰ ریال
 شابک : ۳-۴۳-۵۳۶۶-۶۰۰-۹۷۸
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 موضوع : واقعه کربلا، ۶۱ ق. - حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴-۶۱ ق. Hosayn
 , ۶۸۰ - Karbala, Battle of, Karbala, Iraq, ۶۸۰ - ۶۲۵ ibn 'Ali, Imam III ,
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ ۲۵۴ پ/۵/۴۱ BP
 رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۳۴
 شماره کتابشناسی ملی : ۴۸۴۰۴۱۶



انتشارات فرهنگ اهل بیت

تلفن ۰۹۱۹۶۱۵۱۹۳۴ - ۰۹۳۳۱۱۳۲۱۲۴

۰۲۵-۳۶۱۰۹۲۱۵

شماره نامه

درس‌هایی از امام حسین (ع) - جلد اول

تألیف: عبدالکریم پاک‌نیا تبریزی

ناشر: فرهنگ اهل بیت (ع)

نوبت چاپ: اول ۹۶

چاپ: اشراق

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۸۰/۰۰۰ ریال

شابک: ۳-۴۳-۵۳۶۶-۶۰۰-۹۷۸ * شابک دوره: ۴-۴۶-۵۳۶۶-۶۰۰-۹۷۸

تمام حقوق محفوظ است

جهت تهیه کتاب مبلغ آن را به شماره حساب ۱۵۶۳۰۳۸۰۱۹ بانک تجارت در وجه
 انتشارات فرهنگ اهل بیت (ع) واریز کرده و به شماره ۰۹۳۳۳۷۳۳۲۲۴ پیامک نمایید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

www.ketab.ir

فهرست مطالب

پیشگفتار

۱۹	 نکته‌هایی برای منبر موفق
۱۹	 اولین منبر
۲۰	 قداست منبر
۲۱	 جایگاه اهل منبر
۲۲	 نکته‌هایی ارائه منبر موفق
۲۲	 ۱. ایمان به گفتار با تمام وجود
۲۲	 ۲. منابع موثق و اطلاعات روز
۲۴	 ۳. مطابقت گفتار با رفتار
۲۴	 ۴. به اندازه سخن گفتن
۲۵	 ۵. اجتناب از تکرار غیر مناسب
۲۶	 ۶. مخاطب شناسی
۲۷	 ۷. نقد و آسیب شناسی
۲۸	 ۸. بهره گیری از شعر
۲۹	 ۹. اندیشیدن و آمادگی
۳۰	 ۱۰. سوز داشتن در روضه
۳۰	 ۱۱. توجه به تمثیل
۳۲	 ۱۲. معرفی کردن الگو
۳۳	 ۱۳. عبارات دلنشین
۳۳	 ۱۴. استفاده از قصه

گفتار ۱- توسل به امام حسین (علیه السلام)

۳۶	 یک - حکمت توسل
۳۶	 الف - جایگاه معنوی اولیاء
۳۶	 ب - ارتباط آسان با خدا

۳۶	ج - اسوه بودن اولیاء
۳۷	دو - توسل انبیاء
۳۷	سه - نور امام حسین (علیه السلام)
۳۹	چهار - شخصیت عالی نسب
۴۰	پنج - عطیه آسمانی
۴۱	مجتهد مرثیه خوان
۴۱	غربت جناب مسلم (علیه السلام)
۴۳	گریه برای سیدالشهداء (علیه السلام)

گفتار ۲- گریه بر امام حسین (علیه السلام)

۴۶	یک - اهمیت مجالس حسینی (علیه السلام)
۴۶	دو - بهترین ثبوت احای عاشورا
۴۷	سه - انواع گریه
۴۸	چهار - پیشینه سوگواری
۴۸	پنج - عزاداری عالمیان
۴۹	الف - پیامبر (صلی الله علیه و آله) و علی (علیه السلام)
۴۹	ب - عزاداری صحابه
۴۹	ج - سوگواری ملائکه و اجنه
۵۱	د - گریه آسمان و زمین
۵۱	ه - سوگواری جمادات
۵۱	سرزمین کرب و بلا
۵۳	کاروان شهادت

گفتار ۳- نقش جوانان در قیام عاشورا (۱)

۵۵	یک - جوانان عاشورائی
۵۶	دو - جوانان عصر ما
۵۷	سه - رابطه بلوغ معنوی و جسمانی
۵۸	چهار - بلوغ عقلانی و معنوی
۵۹	پنج - جوان و معنویت
۵۹	شش - پیامبران و امامان جوان

- الف - حضرت یحیی علیه السلام ۶۰
- ب - حضرت اسماعیل علیه السلام ۶۱
- جناب قاسم بن الحسن علیه السلام ۶۱

گفتار ۴- نقش جوانان در قیام عاشورا (۲)

- یک - جوانان افتخار آفرین ۶۳
- الف - عبدالله بن حسن ۶۳
- ب - عمرو بن جناده انصاری ۶۴
- ج - نوجوان های پیاپی ۶۴
- د - مجتهد ده ساله ۶۶
- دو - برتری باوغ عقلانی ۶۶
- سه - جوانان در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله ۶۷
۱. وزیر نوجوان ۶۷
۲. نخستین مبلغ اسلام ۶۸
۳. استاندار هجده ساله ۶۸
۴. فرماندهی افسر جوان ۷۰
- چهار - وظایف والدین ۷۰
- پنج - هماهنگی میان نسل ها ۷۱
- حضرت علی اکبر علیه السلام ۷۱

گفتار ۵ - هدف قیام؛ اصلاح امت

- یک - اصلاح در فرهنگ اسلامی ۷۳
- دو - اولین گام اصلاح ۷۴
- سه - ویژگی های اصلاحگران ۷۵
- چهار - اهداف اصلاح در مکتب اهل بیت علیهم السلام ۷۵
۱. برقراری قسط و عدالت ۷۶
۲. بازگرداندن عزت مسلمانان ۷۷
۳. مبارزه با ستم و ستمگران ۷۸
۴. دفاع از حقوق محرومان ۷۹
- پنج - آفات اصلاحات ۸۰

حضرت رقیه (ع) ۸۱

گفتار ۶ - حسین (ع) نفس مطمئنه

- نوری در ظلمت ۸۳
- الف - در حلقه آل عباس (ع) ۸۵
- ب - در حدیث لوح ۸۶
- ج - پاره قلب پیامبر (ص) ۸۶
- د - گل خوشبوی نبی (ص) ۸۷
- ه - عزیز زهرای (ع) ۸۷
- و - امانت رسول خدا (ص) ۸۸
- دعای باران برای کوفیان ۸۹
- عطش در کربلا ۹۰

گفتار ۷ - درس‌هایی از حُرّ ریاحی

- امتیازات و درسها ۹۳
- اول - اقتداء به امام (ع) ۹۳
- دوم - احترام حضرت فاطمه (ع) ۹۵
- سوم - نگران شهادت امام (ع) ۹۵
- چهارم - لحظه‌ای تفکر ۹۶
- پنجم - استفاده از فرصت ۹۷
- ششم - نامه نتوشت ولی آمد ۹۷
- هفتم - یادگار حر ۹۸
- هشتم - شهادت بستگان ۹۸
- نهم - ادب قبل از توبه ۹۸
- دهم - قبولی توبه ۹۹
- یازدهم - عزم راسخ و توبه‌ای جوانمردانه ۹۹
- دوازدهم - مدد الهی ۱۰۰
- سیزده - دعوت کوفیان به حق ۱۰۰
- چهارده - اولین شهید عاشورا ۱۰۱
- پانزده - زمان شناسی ۱۰۱

شانزده - ولایت پذیری ۱۰۲

گفتار ۸ - درس هائی از حضرت عباس (ع)

ویژگی های حضرت ابوالفضل (ع) ۱۰۶

یک - تبار شایسته ۱۰۶

دو - شجاعت ۱۰۷

سه - نام ها و القاب والا ۱۰۸

چهار - ادب در برابر امام ۱۰۹

پنج - تشکیل خانواده ۱۱۰

شش - وصیت خاص پدر ۱۱۰

هفت - محبوب امام حسین (ع) ۱۱۰

هشت - عبادت و توبه ۱۱۰

نه - ولایت مداری ۱۱۱

ده - وفا داری ۱۱۲

یازدهم - تحمل داغ برادران ۱۱۲

دوازده - پرچمدار قیام عاشورا ۱۱۳

سیزده - جهاد اکبر ۱۱۴

مرثیه بر عباس (ع) ۱۱۵

آرامبخش اهل بیت (ع) ۱۱۶

گفتار ۹ - ترکیب عرفان و حماسه در عاشورا

جلوه های عرفانی عاشورا ۱۱۷

یک - اقامه نماز در شرایط سخت ۱۱۷

دو - عمل فقط برای خدا ۱۱۸

سه - عبادان شب و شیران روز ۱۱۸

چهار - قطع امید از غیر خدا ۱۱۹

پنج - آخرین مناجات ۱۲۱

شهادت عارفانه ۱۲۱

مرثیه از زبان امام زمان (ع) ۱۲۳

گفتار ۱۰ - درس‌هایی از نماز عاشورا

۱۲۵	آموزه‌هایی از نماز ظهر عاشورا
۱۲۵	۱. تجلیل از یادآوران نماز
۱۲۶	۲. معرفی فدائیان نماز
۱۲۹	۳. اهمیت اول وقت
۱۲۹	۴. نهی از منکر
۱۲۹	۵. علنی کردن نماز
۱۳۰	۶. شکوه نماز در مقابل دشمن
۱۳۰	۷. بیداری وجدان‌های خفته
۱۳۰	۸. رسوایی دشمن
۱۳۱	۹. اجماع اذان در میدان جنگ
۱۳۱	شهید نماز

گفتار ۱۱ - امام سجاد (ع) پیام آور عاشورا

۱۳۶	۱ - نیایش‌های عارفانه و بیادارگر
۱۳۷	۲ - صلوات رمز مبارزه
۱۳۷	۳ - تربیت شاگردان
۱۳۹	۴ - حمایت از قیام‌های ظلم ستیز
۱۴۰	۵ - خطابه‌های حماسی
۱۴۱	۶ - گفتگوهای دشمن‌شکن
۱۴۳	روژه‌های امام سجاد (ع)

گفتار ۱۲ - درس‌هایی از خطبه حضرت زینب (س) در کوفه (۱)

۱۴۵	یک - سخنرانی در سخت‌ترین شرایط
۱۴۶	دو - همچون امیرالمومنین (ع)
۱۴۷	سه - فصاحت و بلاغت
۱۴۸	چهار - آغاز خطبه
۱۴۸	مثال عهد شکنان
۱۴۹	اشتباه جبران ناپذیر
۱۴۹	عمق فاجعه کربلا

۱۵۰	وای بر شما چه کردید؟
۱۵۰	پنج - بازتاب خطبه
۱۵۱	مرثیه حضرت زینب علیها السلام
۱۵۲	سری به نیزه بلند است

گفتار ۱۳- درس‌هایی از خطبه حضرت زینب علیها السلام در کوفه (۲)

۱۵۳	درس‌های خطبه
۱۵۳	یک - مقام عبودیت و بندگی
۱۵۴	دو - جدا انکار من پیامبر صلی الله علیه و آله از اهل بیت علیهم السلام
۱۵۵	سه - کفر ناسلمی
۱۵۶	چهار - کنار زدن برده تزویر
۱۵۶	پنج - خطر عدالت الهی
۱۵۷	شش - ره آورد خطبه
۱۵۹	پاسخ‌های قاطع زینب علیها السلام
۱۵۹	جز زیبایی ندیدم!
۱۶۱	در مجلس ابن زیاد

گفتار ۱۴ - پایداری در راه حق

۱۶۳	یک - در کنار مزار پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۶۴	دو - نامه به بزرگان بصره
۱۶۵	سه - هشدار به معاویه
۱۶۶	چهار - در پاسخ محمد حنفیه
۱۶۹	پنج - ایستادگی در مقابل باطل
۱۶۹	شش - دفاع از یاران
۱۷۰	سخنی با یاران
۱۷۱	شوذب و عابس
۱۷۱	شهادت شوذب
۱۷۲	شهادت عابس

گفتار ۱۵ - نقش نماز در تحمل مصائب

۱۷۵	یک - پناهگاهی امن در بحراناها
-----	-------------------------------

- ۱۷۶..... دو - شیوه اولیاء الهی
- ۱۷۶..... سه - آرامش روح و روان
- ۱۷۷..... چهار - نماز خاضعانه!
- ۱۷۸..... پنج - نماز بی خاصیت!!
- ۱۷۹..... شش - نمازهای قیام عاشورا
- ۱۷۹..... هفت - خاک کربلا در نماز
- ۱۸۱..... هشت - نماز عاشوراییان
- ۱۸۲..... - حضرت علی اکبر (علیه السلام)
- ۱۸۳..... چون نامش علی بود...

گفتار ۱۶ - نشان‌هل اُتی

- ۱۸۵..... یک - نذری برای شفاء
- ۱۸۷..... دو - دل‌بند نبی (صلی الله علیه و آله) فدای اسلام
- ۱۸۸..... سه - صدقه بر آل محمد (علیهم السلام)
- ۱۸۸..... چهار - بوی سیب
- ۱۸۹..... پنج - خاک خونین کربلا
- ۱۹۱..... شش - لباس سرخ بهشتی
- ۱۹۲..... حیب و عشق به امام حسین (علیه السلام)
- ۱۹۲..... مهر حسین (علیه السلام)
- ۱۹۳..... نامه امام به حیب
- ۱۹۳..... سلام زینب (علیها السلام) به حیب

گفتار ۱۷ - حمایت از محرومان

- ۱۹۷..... یک - هدف بعثت
- ۱۹۸..... دو - یاری به بدهکاران
- ۱۹۹..... سه - بخشش محبوبترین مال
- ۱۹۹..... چهار - اهمیت آبروی فقراء
- ۲۰۱..... پنج - تشویق نیکوکاران
- ۲۰۳..... شش - توجه به معرفت نیازمندان
- ۲۰۴..... وهب و امّ وهب

۲۰۵	عزم میدان
۲۰۶	عهد نامه وهب و هانیه
۲۰۸	وداع با سکینه (علیها السلام)

گفتار ۱۸ - مراحل، اهداف و آثار قیام عاشورا

۲۱۲	یک - امتناع از بیعت
۲۱۲	دو - اقدام به تغییر وضع موجود
۲۱۳	سه - علنی کردن قیام در مکه
۲۱۴	چهار - مقاومت در برابر طاغوت
۲۱۵	پنج - ابتکار هستی برای اصلاح جامعه
۲۱۶	شش - الگویی برای قیامهای بعدی
۲۱۷	هفت - تضمین دوام اسلام
۲۱۸	هشت - شکست ناپذیری قیامهای عاشورائی
۲۱۹	نه - قیام فرهنگی - سیاسی سفیران عاشورا
۲۲۰	ده - برخی از قیامهای عاشورائی
۲۲۱	قیام اسرا در شام
۲۲۲	چوب خیزران !!

گفتار ۱۹ - عبادت و نیایش

۲۲۳	یک - اسوه عبادت کننده گان
۲۲۷	دو - مناجات عاشورائی
۲۲۷	سه - عشق به مناجات
۲۲۸	چهار - در رهت من هر چه دارم می دهم
۲۲۹	زینب کبری (علیها السلام) در قتلگاه

گفتار ۲۰ - شجاعت امام حسین (علیه السلام)

۲۳۱	نمونه‌هایی از شجاعت
۲۳۲	یک - صراحت لهجه
۲۳۲	دو - در دفاع از بیت المال
۲۳۳	سه - در جنگ صفین
۲۳۵	چهار - همچون علی (علیه السلام)

- ۲۳۵ پنج - دلیر مرد نبرد
 ۲۳۷ شش - قوت قلب
 ۲۳۷ تیر سه شعبه

گفتار ۲۱ - ولایت پذیری

- ۲۳۹ یک - جدائی از امام علی (علیه السلام)
 ۲۴۰ دو - او امام من است!
 ۲۴۰ سه - تسلیم در مقابل امام حسن (علیه السلام)
 ۲۴۱ چهار - اگر وصیت امام حسن (علیه السلام) نبود!
 ۲۴۲ پنج - وفاداری به صلح امام حسن (علیه السلام)
 ۲۴۳ شش - سیب بهشتی
 ۲۴۴ عطش علی اصغر (علیه السلام)

گفتار ۲۲ - خدمتگزاری به مردم

- ۲۴۷ یک - آرزوی اولیاء الهی
 ۲۴۸ دو - آداب خدمت رسانی
 ۲۴۹ الف - توجه به عزت نفس
 ۲۵۰ ب - خوشخویی و خوش‌زبانی
 ۲۵۱ سه - دستگیری از بیماران
 ۲۵۱ چهار - هشدار درباره مستضعفان
 ۲۵۲ پنج - آثار خدمتگزاری
 ۲۵۳ شش - مهم‌ترین شرط خدمت
 ۲۵۳ هفت - نشانه‌های خدمت
 ۲۵۴ نعل اسبان

گفتار ۲۳ - فرهنگ نماز در سیره امام حسین (علیه السلام)

- ۲۵۷ یک - اقامه نماز اولین هدف قیام
 ۲۵۸ دو - خلوت‌های مردان خدا
 ۲۵۹ سه - آغاز قیام با نماز
 ۲۵۹ چهار - مسجد الحرام، پایگاه قیام
 ۲۶۰ پنج - منتظران نماز امام حسین (علیه السلام)

۲۶۰	شش - نماز در مقابل دشمن
۲۶۱	هفت - نماز شب عاشورائیان
۲۶۲	هشت - نماز صبح عاشورا
۲۶۳	غربت و تنهایی

گفتار ۲۴ - عاشورا و قرآن

۲۶۷	یک - اهل بیت علیهم السلام و قرآن
۲۶۸	دو - هماهنگی امام حسین علیه السلام و قرآن
۲۶۹	سه - آیات مرتبط با امام حسین علیه السلام
۲۶۹	الف - در سوره نساء
۲۷۰	ب - در سوره مريم
۲۷۱	ج - در سوره ابراء
۲۷۱	د - در آیه تطهیر
۲۷۲	چهار - گنجینه دار اسرار الهی
۲۷۳	تلاوت قرآن بعد از شهادت

گفتار ۲۵ - امام حسین علیه السلام مفسر قرآن

۲۷۵	یک - برکات تلاوت قرآن
۲۷۶	دو - در مکتب تفسیر امام حسین علیه السلام
۲۷۶	الف - مسئولیت امت در امر ولایت
۲۷۶	ب - حق و باطل
۲۷۷	ج - پیشوای هدایت و پیشوای ضلالت
۲۷۷	د - فرجام پیمان شکنی
۲۷۸	ه - مقام شهادت
۲۷۸	سه - مبانی قرآنی قیام عاشورا
۲۸۱	قرآن بالای نیزه
۲۸۱	در شهر کوفه
۲۸۲	هلال زینب علیها السلام !

گفتار ۲۶ - شهادت پل سعادت

۲۸۵	یک - بالاترین رتبه معنوی
-----	--------------------------

۲۸۶	دو - زندگی جاویدان
۲۸۷	سه - پل سعادت
۲۸۸	چهار - زینت مردان الهی
۲۸۹	پنج - نزدیکترین راه به خدا
۲۸۹	شش - شهادت قرین پیروزی
۲۹۰	هفت - لیاقت شایستگان
۲۹۰	هشت - تسخیر مرگ
۲۹۱	نُه - شهادت به بحی (علیه السلام)
۲۹۲	اسرا در قتلگاه

گفتار ۲۷ - ویژگی‌ها و فضائل حضرت ام‌البنین (علیها السلام)

۲۹۵	یک - از ژاد دلبران
۲۹۶	دو - ازدواج با امیرمؤمنان علی (علیه السلام)
۲۹۶	سه - در اوج وفاداری
۲۹۷	رؤیای مسرت بخش
۲۹۸	چهار - معرفت به مقام اهل بیت (علیهم السلام)
۲۹۸	پنج - مادری مهربان برای فرزندان زهرا (علیها السلام)
۲۹۹	شش - تربیت فرزندان صالح
۳۰۰	هفت - کرامات و مقامات معنوی
۳۰۰	بچه دار شدن خانواده سنی
۳۰۲	هشت - صبر بی نظیر
۳۰۴	مرثیه‌های جانسوز

گفتار ۲۸ - درس‌های تربیتی از امام حسین (علیه السلام) (۱)

۳۰۸	یک - تکریم همسر
۳۰۸	دو - گزینش نام نیک
۳۱۰	سه - تشویق
۳۱۰	چهار - توجه به پرسش‌های جوانان
۳۱۱	پنج - آموزش کمالات
۳۱۱	شش - تربیت غیر مستقیم

- ۳۱۲..... هفت - پاداش خوبی
- ۳۱۳..... پذیرائی از دشمن

گفتار ۲۹ - درس‌های تربیتی از امام حسین (ع)

- ۳۱۶..... هشت - تکریم کودکان
- ۳۱۷..... نه - احترام به آرای دیگران
- ۳۱۷..... ده - درود و سلام
- ۳۱۸..... یازده - ارتباط کلامی
- ۳۲۰..... دوازده - تشویق و تشویق
- ۳۲۰..... الف - قدردانی از معلم
- ۳۲۱..... ب - ستایش مادر حر
- ۳۲۲..... علی اصغر (ع) معلوم‌ترین شهید کربلا

گفتار ۳۰ - درس‌هایی از مناقب امام حسین (ع)

- ۳۲۵..... یک - محبوب رسول اکرم (ص)
- ۳۲۵..... دو - ماجرای فطرس
- ۳۲۶..... سه - تغذیه از وجود پیامبر (ص)
- ۳۲۷..... چهار - ناراحتی پیامبر (ص) از گریه حسین (ع)
- ۳۲۸..... شهادت جناب عباس (ع)
- ۳۲۹..... نگاهی به خیمه، نگاهی به عباس (ع)

پیشگفتار



نکته‌هایی برای منبر موفق

هر مکتبی برای معرفی و گسترش فرهنگ خود، نیاز به تبلیغ و رسانه دارد. مکتب اسلام هم از این قاعده مستثنی نیست. ساده‌ترین و دسترس‌ترین رسانه اسلام منبر است که آن هم جایگاهش در اصلی‌ترین مرکز اسلامی یعنی مسجد می‌باشد و بدون مسجد اساساً منبر معنا ندارد. تقدس منبر هم از مسجد و از موضوعات مقدسی است که در آن مطرح می‌شود. پیامبر اسلام ﷺ پیش از ساخت مسجد بر مکان‌های بلند می‌ایستاد و مردم را مخاطب قرار می‌داد. رفته رفته با ساخت مسجد، منبر به عنوان ابزاری ساده برای برقراری این ارتباط و ابلاغ پیام جدید، در کنار محراب مساجد بنا شد. در طول تاریخ اسلام، در کنار نمازهایی که در مساجد اقامه می‌شد منبر نیز نقش رسانه برای آموزش معارف اسلامی و بیان مسائل جاری روز مطرح شد. پند و اندرز در منبر توسط شخصیت‌های معنوی و بانوذ اسلامی دل‌ها را زنده و غفلت زدگان را بیدار می‌کرد. امروزه نیز گرچه وسائل و ابزارهای نوین تبلیغ گسترش چشمگیری یافته است ولی با این همه منبر به عنوان یک رسانه تبلیغی قدرتمند و مقدس نقش خود را حفظ کرده است.

اولین منبر

علامه مجلسی در مورد اولین منبر در تاریخ اسلام می‌نویسد: چون حضرت رسول ﷺ به مدینه هجرت نمود و مسجد نبوی را بنا کرد، در جانب محراب مسجد درخت خرمائی خشک و کهنه بود و هرگاه حضرت خطبه می‌خواند بر آن درخت تکیه می‌کرد. یکی از مسلمانان پیشنهاد کرد: یا رسول الله! رخصت ده که برای تو منبری بسازم که در وقت خطبه بر

آن قرار گیری، و چون اجازه یافت برای حضرت منبری سه پایه ساخت. اول مرتبه که آن حضرت بر منبر آمد آن درخت همانند ناله‌ای که ناقه در مفارقت فرزند خود کند، ناله نمود. پس حضرت از منبر به زیر آمد و درخت را نوازش کرد تا ساکت شد. حضرت فرمود: «اگر من او را نوازش نمی‌کردم تا قیامت ناله می‌کرد».^۱

رسول خدا (ص) و ائمه اطهار (ع) از صدر اسلام تلاش کرده‌اند تا این رسانه سنتی قداست خود را حفظ کند. گرچه در برهه‌ای از زمان‌ها نااهلان به این کرسی مقدس تکیه زده‌اند ولی باز هم منبر قداست خود را نگه داشته است.

قداست منبر

خلیفه دوم در یکی از روزهای اوائل خلافتش در بالای منبر پیامبر اکرم (ص) در مورد آیه شریفه «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ»^۲ برای مردم صحبت می‌کرد. امام حسین (ع) که در گوشه‌ای از مسجد نشسته بود با شنیدن سخنان تناقص آمیز خلیفه از جایش بلند شد، و با لحنی معترضانه فرمود:

«إِنزِلْ عَنْ مَنبَرِ أَبِي رَسُولِ اللَّهِ لَا مَنبَرَ لِيَكْ؛ از منبر پدرم رسول خدا (ص) فرود آی این منبر پدر تو نیست».

این خطاب گفت: «راست می‌گویی. بلی! این منبر پدرم نیست، نه منبر پدر من! بعد امام (ع) با استدلالات متقن سخنان او را پاسخ داد».^۳

حتی طبق برخی روایات یکی از نشانه‌های قبل از ظهور خدایه دار شدن قداست منبر است. رسول خدا (ص) به سلمان فارسی فرمود: «يَا سَلْمَانَ اقْنِصْهُمْ... قُعُودُ الصَّبِيَّانِ عَلَى الْمَنَابِرِ»^۴ سلمان! یکی از نشانه‌های قبل از ظهور این است که بچه‌های نابالغ بر منبرها می‌نشینند».^۵

۱. حیات القلوب، ج ۳، ص ۵۲۱.

۲. احزاب، ۶.

۳. بحار الأنوار، ج ۳۰، ص ۴۸.

۴. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۳۰۴.

۵. معنای ظاهری حدیث این است که: کسانی مدیریت منبر را به عهده می‌گیرند که از نظر سن دوره صباوت و نوجوانی را می‌گذرانند و افراد مسن‌تر و ماهرتر از منبرها محروم می‌شوند. اما معنای دیگر این است که: کسانی مشغول تبلیغ دینی می‌شوند که شرائط منبر ندارند و از نظر علمی و فکری و معنوی بالغ نشده‌اند.

نظامی گنجوی نیز در مورد نشستن نااهلان در منبر و اینکه مقام منیع و رفیع این جایگاه مقدس باید حفظ شود نکات ارزنده‌ای دارد، او خطاب به حضرت مهدی عج عرض می‌دارد:

ای مدنی برقع و مکی نقاب سایه نشین چند بود آفتاب^۱
منتظران را به لب آمد نفس ای ز تو فریاد به فریادرس
بار کش این مسند از آسودگان غسل ده این منبر از آلودگان
در هر حال منبر یک واژه اسلامی است که در متون حدیثی مکرر به کار رفته و در ادبیات فارسی هم از واژه منبر بارها استفاده شده مثل این شعر حافظ:

واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می‌کنند

چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند

مهمترین کارکرد منبر در جامعه اسلامی در دو محور مهم است:

- الف- رسانه‌ای با نفوذ برای رساندن مسائل جهان اسلام
- ب- ابزاری مطمئن برای تبلیغ دین و آموزش معارف اسلامی

جایگاه اهل منبر

اهل منبر در فرهنگ اسلامی منزلت خاصی دارند. پیامبر اکرم ص فرمود: «أَلَا أُحَدِّثُكُمْ عَنْ أَقْوَامٍ لَيْسُوا بِأَنْبِيَاءَ وَلَا شُهَدَاءَ يَغْبِطُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْأَنْبِيَاءُ وَالشُّهَدَاءُ بِمَنَازِلِهِمْ مِنَ اللَّهِ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ»

آیا به شما خبر دهم از گروه‌هایی که پیامبران و شهیدان نیستند و روز استاخر پیامبران و شهیدان به جایگاه‌های ایشان در پیشگاه الهی که بر منابر نور است غبطه می‌خورند؟ گفته شد: ای رسول خدا ایشان کیستند؟

حضرت فرمود: «هُمُ الَّذِينَ يَحْبُبُونَ عِبَادَ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ وَ يَحْبِبُونَ اللَّهَ إِلَى عِبَادِهِ فَلَنَا هَذَا حَبَبَ اللَّهِ إِلَى عِبَادِهِ فَكَيْفَ يَحْبِبُونَ عِبَادَ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ قَالَ يَأْمُرُونَهُمْ بِمَا يَحِبُّ اللَّهُ وَ يَنْهَوْنَهُمْ عَمَّا يَكْرَهُهُ اللَّهُ فَإِذَا أَطَاعُوهُمْ أَحَبَّهُمُ اللَّهُ»^۲

۱. نظامی.

۲. روضة الواعظین، ج ۱، ص ۱۲.

آنانی هستند که محبت خدا را در دل‌های بندگان می‌افکنند و بندگان را هم محبوب خداوند قرار می‌دهند. گفتیم: محبت خدا را بر دل بندگان افکندن را فهمیدیم ولی بندگان را چگونه محبوب خداوند قرار می‌دهند؟ فرمود: بندگان را به آنچه خداوند دوست دارد فرمان می‌دهند و از آنچه ناخوش می‌دارد باز می‌دارند و هر گاه اطاعت کنند، خداوند ایشان را دوست می‌دارد».

نکته هائی ارائه منبر موفق

۱. ایمان به گفتار با تمام وجود

منبری برای موفقیت خود نیاز به باور قلبی بر سخنان خود دارد. یعنی به قول استاد ما فقط نقل سخن نباشد که مطالبی را حفظ کرده و طوطی‌وار برای دیگران بگوید. گوینده اگر خودش از روی دلیل و برهان معتقد به گفته‌هایش نباشد، مخاطب وی بهره‌ای شایسته از وی نخواهد برد و سخنانش به عمق جان نرسد و نفوذ نخواهد کرد. مثل مؤذن حمص می‌شود که در اذان می‌گفته: «اهل حمص یشهدون ان محمداً رسول الله».

منبری باید بداند که شنونده فقط گوش نمی‌کند بلکه کلمات را با تمام قوا احساس می‌کند و متوجه می‌شود که این سخن را از شخصی باورمند می‌شنود یا بی‌اعتقاد. آری سخن که از دل برآید لاجرم بر دل نشیند و تا دلی آتش نگیرد حرف جانسوزی نگوید.

اساساً حقیقت گفتار از تمام وجود گوینده (نه فقط از سخن وی) منتشر می‌شود و مخاطب کاملاً آن را احساس می‌کند این حقیقت را مولوی چنین ترسیم می‌کند:

بوی کبر و بوی حرص و بوی آز	در سخن گفتن نباید چون پیاز
یک سخن از دوزخ آید سوی لب	یک سخن از شهر جان در کوی لب

۲. منابع موثق و اطلاعات روز

منبری زمانی در کار خود موفق می‌شود که با علم و آگاهی و بصیرت کامل در مورد موضوع بحث، بر عرشه منبر بنشیند و گر نه به مقصود نخواهد رسید. دعوت به خدا با بینش کامل و اطلاع از منابع موثق باید صورت گیرد. همچنانکه قرآن از زبان رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) صادر شد.

می‌فرماید: ﴿ادْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعْنِي﴾؛ «من و پیروانم، با بصیرت کامل، مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم!»^۱
حافظ می‌گوید:

بر بساطِ نکته دانان خود فروشی^۲ شرط نیست

یا سخن دانسته گو ای مرد عاقل یا خموش^۳

امام صادق علیه السلام هم فرمود: «مَنْ دَانَ اللَّهَ بِغَيْرِ سَمَاعٍ عَنْ صَادِقٍ أَلَزَمَهُ اللَّهُ الْبُتَّةَ إِلَى الْعَنَاءِ»؛ «هر که بدون شنیدن و فراگرفتن از امامی صادق، خدا را پرستش کند، قطعاً خدا ملازم رنج و مشقتش سازد». صائب تبریزی گفته:

ای که از عالم معنا خبری نیست تو را

بمهر از مهر خموشی هنری نیست تو را^۴

تسلط به آیات وحی و رجوع به تفاسیر معتبر، آشنائی اجمالی با روایات اهل بیت علیهم السلام که در مجموعه‌های معتبر دینی گرد آمده است، همانند نهج البلاغه، صحیفه سجادیه، اصول کافی یا سفینه البحار، مفاتیح و آشنائی با عالمان تأثیر گذار و صاحب اندیشه حتماً بر یک منبری ضرورت دارد.

مباحث اخلاقی، احکام و مسائل شرعی، اطلاع از تاریخ معصومین علیهم السلام مطالعات عمومی مورد نیاز، اطلاع از اخبار جهان اسلام، آمار، گزارش‌ها، تحلیل‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی، داستان، شعر، ضرب المثل، سخنان و حکایات لطیف، جهت تحلیل و توضیح معارف الهی و مطالعه یک دوره کوتاه تاریخ عمومی جهان و ایران، شناخت ادیان و فرقه‌ها، توفیقات یک منبری را افزایش می‌دهد.

درست است که ظاهر خوب یک منبر، اعم از فنون خطابه، ظاهر سخنران، جنبش

۱. یوسف: ۱۰۸

۲. خود نمائی، فضل نمائی.

۳. دیوان حافظ؛ غزل ۲۸۶.

۴. الکافی، ج ۱؛ ص ۳۷۷.

۵. صائب تبریزی.

مطالب، بهره‌گیری از عبارات زیبا و... به درک مطلب کمک می‌کند، ولی مهمترین بخش منبر همان محتوای آن است.

۳. مطابقت گفتار با رفتار

رأيه منبر موفق هرچند با قوی ترین و کاربردی ترین شیوه‌ها باشد بدون عمل گوینده ممکن نخواهد بود. قوی ترین و مشهورترین گویندگان تاریخی وقتی عمل را با گفته هایشان مطابق نکرده اند تمام بافته هایشان پنبه شده و سخنانشان بی تاثیر.

خداوند به چنین منبری هائی هشدار می‌دهد که: «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ؟ آیا مردم را به نیکی دعوت نموده، اما خودتان را فراموش می‌کنید!»^۱ ناصر خسرو فیاضانی پند آموزان بی عملی که فقط سخن می‌گویند و در مقام عمل حرکتی از خود ندارند را، نکوهش کرده و می‌گوید:

پندم چه دهی؟ نخست خود را
چون خود نکنی چنانکه گوئی
محکم کمری ز پند ببرند
پند تو بود دروغ و ترفند

سعدی هم رمز ناموفق بودن چنین اهل منبری را این گونه باز گو می‌کند:

ترک دنیا به مردم آموزند
عالمی را که گفت باشد و بس
خوشتن سیم و غله اندوزند
عالم آن کس بود که بد نکند
هر چه گوید نگیرد اندر کس
نه بگوید به خلق و خود نکند

۴. به اندازه سخن گفتن

منبر باید به اندازه اقتضای حوصله مخاطب و تا حد امکان کوتاه باشد تا موفقیت در پی داشته باشد. امام هفتم (علیه السلام) فرمود: «مَنْ.. مَحَا طَرَائِفَ حِكْمَتِهِ بِفُضُولِ كَلَامِهِ.. فَكَأَنَّمَا أَعَانَ هَوَاهُ عَلَى هَدْمِ عَقْلِهِ»^۲ هرکس با سخنان اضافی (و منبرهای طولانی) زیبایی‌های حکیمانه گفتارش را نابود کند، همانند این است که به یاری هوای نفس، عقلش را نابود کرده

۱. بقره: ۴۴.

۲. الکافی، ج ۱؛ ص ۱۷.

است».

واعظی که در محضر استاد اهل منبر در منزل جناب فلسفی منبر رفته و سخنرانی کرده بود، می‌گفت: «دیدم در مقابل، در منزل آن مرحوم این عبارت را نوشته اند: حد اکثر بیست دقیقه!»

کم گوی و زبیده گوی...

با آنکه سخن به لطف آب است	کم گفتن هر سخن، صواب است
آب آنچه همه زلال خیزد	از خوردن پر، ملال خیزد
کم گوی و زبیده گوی چون دُر	تا ز اندک تو جهان شود پُر
لاف از سخن چو دُر توان زد	آن خشت بُود که پُر توان زد
یک دستانه گل دماغ برور	از خرمن صد گیاه بهتر ^۱

۵. اجتناب از تکرار غیر مناسب

از شیوه‌های توفیق در منبر می‌توان به نوسن سخن گفتن و عدم تکرار گفته‌های قبلی اشاره کرد. سخنان زیبا هر چقدر قشنگ باشد، اما تکرار بی‌مورد لذت او را از بین می‌برد و در مستمع تنفر ایجاد می‌کند. احساس تکراری بودن سخنرانی یکی از ویژگی‌های منبرهای ناموفق است. گر بساط سخن امروز کساد است «کلیم»

تازه کن طرز که در چشم خریدار آید^۲

البته گاهی، مطالب تکراری برای مخاطب خوشایند و مفید است. آیات الهی، مواعظ حکیمانه و روضه‌ها بیشتر جنبه تکراری دارد ولی نامطلوب هم نیست و در کلام وحی الهی هم تکرارهای مناسب متعدد آمده است.

یک قصه بیش نیست غم عشق وین عجب

کز هر زبان که می‌شنوم نامکرر است^۳

۱. نظامی گنجوی.

۲. کلیم کاشانی.

۳. حافظ.

اگر یک منبری مواظظ و نکات مهم را هنرمندانه تکرار کند، مخاطب، احساس خوبی خواهد داشت. در این صورت، دوباره گفتن نه تنها نامطلوب نخواهد بود. بلکه بر کیفیت سخن هم می‌افزاید.

احساس تکراری بودن، زمانی در مخاطب ایجاد می‌شود که سخنران با همان جملات، الفاظ و مثالهای قبلی، یک موضوع را چندین بار تکرار کند. در این صورت، سخنران ما هر قدر هم شیرین و دلنشین باشند؛ اما با تکرار محتوا و الفاظ، زیبایی اش را از دست خواهد داد.

۱. مخاطب شناسی

مستمع صاحب سخن را بر سر کار آورد

غنچه خاموش بلبل را به گفتار آورد^۱

یکی از نشانه‌های منبر موفق، شناختن مخاطب و اطلاع از حال و احوال و افکار مخاطب است. سطح سخن را باید نسبت به فهم مخاطب تنظیم نمود و همچنین زمان منبر را.

بیندیش و آنگه بر آور نفس و زان پیش بس کن که گویند بس

به نطق، آدمی بهتر است از دواب و اب از ثوبه، گر نگویی صواب^۲

از شیوه‌های سنجش مخاطب، خنداندن و گریاندن و به تعجب واداشتن و او را از حالی به حال دیگر بردن است و منبری می‌تواند همراهی و عدم آن را از خلال مخاطب احساس کند. رضایتمندی و عدم آن را هم باید در نظر گرفت. مثلاً اگر مخاطب از منبری بهره برده و از او راضی باشد، در حین سخنرانی از خود عکس العمل نشان می‌دهد در این صورت منبری باید کیفیت و کمیت سخنرانی خود را با عکس العمل مخاطب تنظیم کند. منبری موفق حتماً مخاطبین خود را می‌سنجد و با توجه به آن به ادامه سخنرانی اش می‌پردازد.

۱. صنایع تبریزی.

۲. سعدی.

۷. نقد و آسیب شناسی

چه زیباست که سخنران توسط خود و یا دیگری نقد شود و آسیب‌های جدی شخصیت خود و منبرهایش همواره مشخص و رفع گردد. این فراز از کلام امام سجاد (ع) در دعای مکارم الاخلاق بهترین رهنمود برای اهل منبر است:

«وَقُنِّي لِبَاطَةِ مَنْ سَدَدَنِي، وَ مُتَابَعَةِ مَنْ أَرْشَدَنِي؛ خداوندا مرا به پیروی از کسانی که به سوی صلاح ارشاد می‌کنند و راه صحیح را نشانم می‌دهند موفق بدار!»
مولوی هم مضمون کلام حضرتش را اینگونه توضیح داده:

زان حدیث تلخ می‌گویم تو را تا ز تلخی‌ها فرو شویم تو را
یکی از دوستان منبری اهل خراسان بارها از نگارنده و سایر دوستان خواسته که فرصت کرده و منبرهای وی، یا حداقل صدای ضبط شده اش را گوش داده و تذکرات اصلاحی لازم داده شود. این شیوه کاربردی در توفیقش مؤثر بوده است.
امام حسین (ع) در این زمینه می‌فرماید: «مِنْ دَلَائِلِ الْعَالِمِ انتِقَادُهُ لِحَدِيثِهِ...» از نشانه‌های انسان دانشمند این است که سخن خودش را نقدی کند.^۱

نقد یک منبر

آیت الله سید حسین فاطمی قمی (از شاگردان برجسته میرزا جواد آقا ملکی تبریزی) می‌گوید: «من در ایوان مدرسه فیضیه پس از نماز ظهر و عصر و خاتمه فرمایشات ایشان به عادت همه روز در ایوان مدرسه فیضیه، منبر می‌رفتم، روزی قبل از ذکر مصیبت خاطره‌ای را از تقریر اهل علم نقل کرده و گفتم چرا باید اهل علم در ماه رمضان که ماه عبادت است به تقریر بروند؟ و به سایرین از جلالت این ماه تذکر ندهند؟ آن روز گذشت.
صبح روز دیگر در مسجد بالا سر پس از نماز خواستم سؤالی از ایشان بکنم تا چشم شریفش به من افتاد، مرا در معرض عتاب درآورده فرمود: دیدی روز قبل چه کردی در حضور اشخاص مختلفه از عوام و غیره؟! چرا باید به این نحو اسم اهل علم و علما را ببری؟ مگر تقریر غیر مشروع است. سرم به زیر افتاد عرض کردم: خطا رفتم اکنون بفرمایید چه بایدم کرد؟ فرمود: برو منبر و بگو من خطا کردم!

ولی برای من مشکل بود اظهار کنم خطای خود را و لیکن در ذهنم بود، تا اینکه یک روز آقا شیخ ابراهیم ترک زیر بغل مرا گرفت و گفت: تو باید امروز منبر بروی به جای من و به سختی مرا بلند کرد، رفتم منبر، فرمایش آن مرحوم به یادم آمد گفتم: در آن روز که گفتم، چرا باید اهل علم در ماه رمضان به تفریح بروند من خطا کردم! چیزی از اهل علم ندیدم؛ ذکر مصیبت کرده فرود آمدم».

البته انتقاد هم باید منصفانه و بعد از بیان نقاط مثبت یاد شود. که حافظ می‌گوید:

عیب می‌جمله چو گفتی هنرش نیز بگو

نفی حکمت مکن از بهر دل عامی چند

۸. بهره‌گیری از شعر

برای موفقیت در منبر، استفاده از شعر و کلام موزون امری ضروری است. مقام معظم رهبری، می‌فرماید: «گاهی یک بیت شعر، گویاتر از چند ساعت سخن گفتن یک سخنور تواناست و ارزش شاعری که قصیده‌ای از محتوای خوب، الفاظی زیبا و مضمونی مناسب برخوردار باشد، از یک دانشمند کمتر نیست و لازم است اشعار قوی فارسی را که در تفهیم عقاید و اخلاق اسلامی، مسائل سیاسی و یا هر آنچه در ارتباط با نیاز امروز جامعه اسلامی سروده شده، از کتب گوناگون استخراج و به احبای آن اهدا و رزند.»

ملت بی شاعری انبار گل

شاعر اندر سینه ملت چو دل

شاعری هم وارث پیغمبری است^۱

شعر را مقصود اگر آدمگری است

از شیوه‌های مؤثری که می‌توان در تبلیغ معارف الهی از آن بهره جست، استفاده از شعرهای پرمحتواست. شعر اصیل گاهی آن چنان جذاب و تأثیرگذار است که روح رجان مخاطب را تسخیر کرده، در اعماق جان وی نفوذ می‌کند. به همین جهت، بزرگان ما برخی از مطالب دینی و علمی را در قالب شعر و با عبارات موزون و دلنشین بیان کرده اند تا ضمن تأثیرگذاری بیشتر در مخاطب، به ذهن سپاری آن سریع تر و آسان تر صورت پذیرد.

اگر در یک سخنرانی تبلیغی و یا مناظره و گفتگوهای دینی و علمی و حتی ذکر مصیبت از یک بیت شعر استفاده شود، تأثیر آن بر مخاطب چندین برابر می‌شود.

نگارنده خود در دوران کودکی در معیت پدرم، به یک جلسه مذهبی رفته بودم و سخنران جلسه در موضوع رعایت حقوق دیگران و پایمال نکردن آن صحبت می‌کرد. در ضمن آن، شعری قرائت کرد که روح و روان مرا تسخیر نمود و الآن بعد از چهل سال، هرگاه موضوع مراعات حقوق دیگران مطرح شود، آن شعر را در ذهنم یاد می‌کنم و مرا در این زمینه یاری می‌کند؛ گرچه مطالب دیگر آن شخص در ذهنم باقی نمانده است و آن شعر این بود:

خوری مال مسلمان، چون مالت بخورند

بانگ و فریاد برآری که مسلمانی نیست

و همچنین عزیز دیگری در تأثیر موعظه همراه با شعر می‌گوید: من به مجالس متعلق به امام زمان (عج) خیلی علاقه مند بودم و هر جا موضوع مهدویت مطرح بود، خود را سریعاً می‌رساندم و از موضوعات مختلف مطرح به بهره می‌بردم؛ اما روزی واعظی در موضوع شرائط انتظار و صفات منتظران و یاران حضرت مهدی (عج) سخنانی ایراد می‌کرد که در ضمن آن بیت ذیل را قرائت کرد:

آینه شو جمال پری طلعتان طلب جارو بزن به خانه و پس میهمان طلب

و این بیت سال‌هاست که دل و جان مرا نوازش می‌دهد. هرگاه به آن می‌اندیشم، ارتباط موضوع مورد علاقه‌ام را با خودسازی و تصفیه روح که شاخص‌ترین خصلت منتظران ظهور است، درمی‌یابم و با علاقه و نیروی افزون تری در این زمینه تلاش می‌کنم.

۹. اندیشیدن و آمادگی

یک سخنران ورزیده قبلاً فکر می‌کند مطالعه می‌کند، جدیدترین نکات را بر آن می‌افزاید بعد به منبر می‌رود. هرگز بدون تفکر و آمادگی قبلی آغاز سخن نمی‌کند. باید متن منبر را قبل از اجرا تمرین کرد و سپس به نکات دیگر هم توجه کرد تا یک منبر کاملاً موفق ارائه شود. یکی از مراجع فرمود: «منبر رفتن بی مطالعه خلاف شرع است، مگر آن‌که آمادگی قبلی وجود داشته باش.»

بیندیشد، آن گه بگوید سخن
نکو گو اگر دیر گویی چه غم؟^۱

سخن دان پرورده، پیر کهن
مزن بی تأمل به گفتار دم

۱۰. سوز داشتن در روضه

در طول منبر باید از عمق جان و از صفای دل سخن گفت تا در جان مخاطب نفوذ کرد و همچنین از قسمت‌های مهم منبر ذکر مصیبت است که شرائط ویژه‌ای دارد.

ناحلی آتش نگیرد حرف جانسوزی نگوید

آنچه که از دل برآید، لاجرم بر دل نشیند

برای تکمیل منبر و تاثیر سخن و لو چند دقیقه باید گریزی به مصائب اهل بیت (علیهم السلام) بویژه ماجرای عاشورا داشت که می‌تواند مهر موفقیت یک منبر هم باشد. در همه موارد توفیق منبر بستگی به ارتباط قلبی با مخاطب دارد.

بیان شوق، چه حاجت، که سوز آتش دل

توان شناخت زسوزی که در سخن باشد^۲

۱۱. توجه به تمثیل

از شیوه‌هایی که بر جاذبه سخن می‌افزاید و در ارائه یک منبر موفق سخنران را یاری می‌کند، بهره‌گیری از تمثیلات و تشبیهات مرتبط با موضوع است. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: ﴿وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾؛ «و این مثل‌ها را برای مردم می‌زنیم، باشد که آنان بیندیشند.»

آرایش سخن به مثل‌های کوتاه، دل‌نشین و مفید می‌تواند کلام را تا عمق جان مخاطب نفوذپذیر سازد و گاهی اوقات یک عبارت به جا از ضرب المثلها و یا تشبیهات موضوع را آن چنان به ذهن مستمع القاء می‌کند که هرگز تا آخر عمرش آن را فراموش نخواهد کرد. شیوه

۱. سعدی.

۲. حافظ.

۳. عنکبوت: ۴۲.

استفاده از مثل در حقیقت به عنوان کوتاه‌ترین راه برای یک سخنران محسوب می‌شود. نزدیک کردن هدف گوینده به ذهن شنونده، همگانی کردن مسائل، حسی و عینی کردن موضوعات عقلی و ساکت کردن مخالفان معاند، از دیگر امتیازات تمثیل است.

مهم‌ترین شاخصه‌های یک مثل، کوتاهی لفظ، استحکام معنی و زیبایی و لطافت مفهوم آن است که در بلاغت و فصاحت یک خطابه تأثیر می‌گذارد؛ به گونه‌ای که حتی علی علیه السلام در میان اشعار، مثل را بهترین شعر می‌داند و می‌فرماید: «خَيْرُ الشُّعْرِ مَا كَانَ مَثَلًا»^۱ بهترین شعر آن است که مثل باشد.

بسیاری از اشعار نغز ادیبان و شاعران نیز در اثر جاذبه و گویایی به صورت ضرب المثل در آمده‌اند. مثلاً صائب تبریزی القای روح شجاعت و تسلیم نشدن در مقابل ستمگر را این گونه بیان می‌کند:

اظهار عجز پیش ستمگر روا مدار / اشک کباب موجب طغیان آتش است
و یا این شعر او:

خمیر مایه دکان شیشه‌گر سنگ است / عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد

بنابراین، استفاده از مثل یکی از ضروریات تبلیغ و روشی کاربردی و موفق برای مبلغان است؛ به ویژه آنکه یک مبلغ بتواند مثالهایی را از زندگی روزمره به مخاطبان خود عرضه کند و آن را با مفاهیم کلی اخلاقی و تربیتی تطبیق نماید و مستمعان را با موضوع مورد نظر خود بهتر و بیشتر آشنا گرداند. مولوی برای تفهیم و روشن شدن معنای دین دوستی مذموم و استفاده صحیح از مظاهر دنیوی با یک مثل ساده و جذاب مستمع را به سوی هدف خود سوق می‌دهد و معنای آن دورا با عبارتی کوتاه تفکیک می‌کند. او می‌گوید:

چیست دنیا از خدا غافل بدن / نی قماش و نقره و فرزند و زن
مال را کز بهر دین باشی حمل / نغم مأل صالح گفتش رسول
آب در کشتی هلاک کشتی است / آب اندر زیر کشتی پستی است

در این باره، شیوه تبلیغی رسول خدا صلی الله علیه و آله در بهره‌گیری از تمثیل و تشبیهات ملموس بهترین الگوی ماست.

آن حضرت در مورد آثار مخرب حرام خواری در روحيات و اعمال یک انسان مسلمان می‌فرماید: «الْعِبَادَةُ مَعَ أَكْلِ الْحَرَامِ كَالْبِنَاءِ عَلَى الزَّمَلِ؛ عبادت به همراه حرام خوری، مثل این است که فردی در شنزار [و در زمین سست] ساختمانی بنیان نهد.»^۱

یعنی همچنان که آن بنا ماندگار نیست و به زودی فرو می‌ریزد و صاحبش نمی‌تواند از آن بهره‌برد، همان‌طور عبادت‌های فرد حرام‌خوار نیز بی‌اثر خواهد بود و برای عبادت‌کننده سودی نخواهد داشت.^۲

۱۲. معرفی کردن الگو

حما برای موضوعات مطروحه در منبر باید الگو معرفی کرد و حد الامکان آن را از نمونه‌های ملموس در زندگی ارائه نمود. مثلاً ترغیب عامه مردم به تقوی، می‌توان شخصیتی مانند "حمال تبریزی" را مثال زد که در متن مردم و از پائین‌ترین قشر جامعه بوده اما رسیده بود به بالاترین مقام تقوی که یک انسان معمولی به راحتی نمی‌تواند برسد. خداوند هم به او مقامی عنایت کرده که پانصد سال است مزارش در تبریز مطاف اهل تقوی است. زمانی که مردم تبریز در قرن نهم کرامت^۳ می‌راهنده و به مقام معنوی اش اطلاع یافتند، برای تبرک به سویش هجوم آوردند.

وی در مقابل احساسات مردم که با التماس و عناوین فرق العاده او را خطاب می‌کردند به آرامی و خونسردی می‌گوید: «خیر، من نه امام زمام، نه حضرت خضر و نه ولی خدا و نه از اوتاد و ابدال، من همان حمالی هستم که پنجاه سال است، در این بازار بارهای شما را جا بجا می‌کنم. من کار خارق العاده‌ای نکردم، بلکه یک عمر هر چه خدا فرموده بود، من اطاعت کردم، یکبار هم من از خدا خواستم، او اجابت کرد. همین.» و بعد هم از خداوند متعال سفر به آخرت را خواست تا همچنان گمنام بماند. "که امام صادق (علیه السلام) فرمود: «طُوبَى لِمَنْ يَعْبُدَ نَوْمَةً عَرَفَ النَّاسَ فَصَاحِبَهُمْ بَدَنِهِ وَ لَمْ يَصَاحِبْهُمْ فِي أَعْمَالِهِمْ بِقَلْبِهِ فَعَرَفُوهُ فِي الظَّاهِرِ وَ

۱. در این مورد به مقاله مثل در سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) ماهنامه مبلغان شماره ۹۰، از نگارنده مراجعه شود.

۲. در مورد کرامت حمال تبریزی می‌گویند: یک روز که مثل همیشه در کوچه پس کوچه‌های شلوغ بازار مشغول حمل بار گندم هشتاد کیلونی بود، برای آنکه نفسی تازه کند، بارش را روی زمین می‌گذاشت و کمر راست می‌کند. صدایی توجه‌اش را جلب می‌کند؛ می‌بیند بچه‌ای روی پشت بام بلندی مشغول بازی است و مادرش در اضطراب، همان لحظه بچه به لبه بام نزدیک می‌شود و ناخودآگاه پایش سر می‌خورد و به پایین پرت می‌شود. مادر جیغی می‌کشد و مردم خیره می‌مانند. حمال پیر فریاد می‌زند: «آی الله! اوئی ساختا "خدایا او را نگه دار!، کودک میان آسمان و زمین معلق می‌ماند، پیر مرد نزدیک می‌شود، به آرامی او را می‌گیرد و به مادرش تحویل می‌دهد.

عَرَفَهُمْ فِي الْبَاطِنِ؛ خوشا به حال بنده گمنامی که مردم به او چندان توجهی ندارند، مردم را به خوبی شناخته، ظاهراً با آن‌ها مصاحبت می‌کند؛ اما قلباً با رفتار و کردار آنان همراهی ندارد، دیگران با ظاهر او آشنایی دارند و او، باطن آن‌ها را می‌شناسد».

کس نمیداند در این بحر عمیق سنگ ریزه قرب دارد یا عقیق

۱۳. عبارات دلنشین

- برای ارائه یک منبر موفق می‌توان در موارد لازم از عبارات و جملات زیبایی، بیجا و مناسب بهره برد. این کلمات را یا خود شخص می‌تواند تولید کند و یا از دیگران یاد بگیرد و بر گنجینه دفتر یادداشت‌هایش بیفزاید. به طور مثال:
- چنانچه موضوع سخنرانی شما درباره امام زمان (عج) است، می‌توانید این جمله زیبا را بگویید: «خوشا آنان که از درس انتظار یک جمله هم غیبت نکردند»
- در صورتی که موضوع سخنرانی درباره «تسک به قرآن و عترت» است، می‌توان این جمله زیبا را گفت: «سعی میان صفای قرآن و مروه عترت، ما را به کعبه مقصود می‌رساند».
- یا مثلاً این جمله را در موضوع "درس گرفتن از روزگار" مطرح کرد که: «فرق روزگار با آموزگار در این است که آموزگار اول درس می‌دهد و بعد امتحان می‌گیرد، اما روزگار، اول امتحان می‌گیرد و بعد درس می‌دهد!»
- در موضوع "قضا و قدر" این جمله زیبا: «هرگز نتوان گره تقدیر را با انگشت تدبیر باز کرد».

۱۴. استفاده از قصه

از شیوه‌های تربیتی قرآن کریم بهره‌گیری از سرگذشت‌های دیگران است. قرآن با نقل این قصه‌های حقیقی پیروان خود را به شایسته‌ترین روش راهنمایی می‌کند. استفاده از قصه و حکایت نه تنها از خستگی و یکنواخت بودن منبر می‌کاهد بلکه پیام‌های حیاتبخش قرآن و اهل بیت (ع) اگر در قالب قصه‌های خواندنی عرضه شود، انتقال آموزه‌های الهی در منبر با زیبا ترین و راحت ترین سبک ارائه می‌گردد.

ویژگی‌های قصه

- قصه‌های مطرح شده در سخنرانی باید از نظر محتوا و مدرک معتبر باشد.
 - قصه منبر نباید طولانی باشد و قسمت عمده وقت را بگیرد. بلکه داستان نقل شده به صورت مختصر و مفید و به دور از حشو و زوائد نقل شود.
 - قصه‌های منبر لازم است جالب، تازه، پیام‌دار و انگیزه‌برانگیز باشند، تا شنونده را با خود همراه سازد.
 - قصه‌های منبر بهتر است دارای سه مرحله «مقدمه»، «اوج» و «فروود» باشد.
- در پایان این بخش گفتار، سفارش زیبای رسول خدا (ص) را یاد آور می‌شویم که به امیرمومنان علی (ع) فرمود: «لَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ بِكَ رَجُلًا وَاحِدًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ؛ اگر خداوند به وسیله تو فقط یک شخص را هدایت کند برای تو از همه چیزهایی که آفتاب به آنها می‌تابد بهتر است»

تابستان ۱۳۹۶- مؤلف